

بدنبال فراخوان متخصصین انتقال تکنولوژی، اینجانب محمود صناعی پور با ارائه روزه و لیست مهارت های میان رشته ای و تجربیات انجام شده و نیز ارائه نظریات راهبردی خود پیرامون مفهوم جامع انتقال فناوری، درخواست ملاقات با آن معاونت محترم را دارم، نظرات اینجانب برحسب مقتضیات و شرایط جمهوری اسلامی ایران، منابع انسانی، مادی و معنوی، لزوم مقاوم سازی بخش های تولید صنعتی و توسعه همه جانبه کشور از طریق مدل های پویای اقتصاد مقاومتی (انجام شده در کشورهای آلمان و ژاپن) بوده و در این راستا، با عنایتی خاص به صد ها فاکتور علم مفید که از علیت تراکمی و علت و معلولی کلیه عوامل ذیربط فناوری منبعت می گردد و حاصل بیش از 30 سال مطالعات، مسئولیت ها، تجربیات اینجانب در این زمینه بوده (www.elmemofid.com) بشرح ذیل است:

1. مقتضیات کشور از جهات مختلف حکم میکند که انتقال تکنولوژی با مدل انتقال تکنولوژی درون را انجام شود و انتقال تکنولوژی برون را، به عنوان بخش تکمیلی انتقال در دستور کار آن معاونت محترم قرار گرفته، و از طریق راهبردها و سیاست های توسعه تکنولوژی کشور قانون مند گردد و هرگونه امتیاز دهی مادی و حمایتی در اجرای دقیق این قانون مراعات شود و ساختار قانونی ارزیابی، بازرسی مراحل انتقال و راه اندازی و سایر تائیدات برای اعطای مجوزات به متقاضیان در این قانون ملحوظ گردد. این اظهار نظر صریح به معنی عزلت و انزوای سیاسی - اقتصادی از کشورهای جهان نیست، تجربیات موفق در نیل به اقتصاد مقاومتی چنین ایجاب می کند که یک نظام ملی، فراگیر و همه جانبه و همگرا باین اقدام شایسته ی ثروت ساز قیام کند و همین وجهه اهتمام ملی، علاقمندان به توسعه جهانی و مخالف با سیاست های متخاصم آمریکا را مجذوب کشور ما نماید.

2. تجربیات اینجانب از طریق تدریس، مدیریت پروژه ها، انتقال تکنولوژی ها از خارج و غیره مبتنی بر این نظریه جامع جهانی است، که ورود و نصب ماشین آلات، به مفهوم انتقال تکنولوژی نیست و تا هنگامی که بازار تقاضای حقیقی مطالعه نشود و توجیه اقتصادی فنی - اقتصادی دقیق تدوین نگردد، و سایر ابعاد و عوامل تکنولوژی نظیر انسان فنی، اطلاعات فنی، مدیریت جامع از لحاظ فنون مربوطه، اصول مالی، مدیریت عمومی، کیفیت و استاندارد و نظایر این ملزومات، بطور هماهنگ در جریان انتقال جاری و ساری نشود، انتقال تکنولوژی (چه درونی و چه بیرونی) اتفاق نیافته و فقط حجم وسیعی از ماشین آلات منسوخ شده و بدون عوامل تکمیل کننده آنها، میلیارد دلار ارز این کشور را بباد داده است و خواهد داد و حاصل تجربه سالهای متخصصین جمهوری اسلامی ایران، جزء این قصه تلخ است.

3. همانطور که استحضار دارید ، مزیت های نسبی تنها به داشتن نفت ، پتروشیمی ، معادن ، جنگل و نظایر اینها نیست ، مزیت های نسبی ، نسبت و سهمی از عوامل پیشران در افزایش ضریب نفوذ تکنولوژی های انتقال یافته در توسعه اقتصادی و تعمیق آنها ، بصورت کالاهای باکیفیت ، بروز و ظهور خدمات مدرن و موثر اجتماعی ، توسعه صادرات در حد رسیدن به مازاد تجاری بالانس شده با سهم تراکمی مزیت های نسبی کشور ، توسعه ظرفیت های مولد ثروت ، خودکفائی در حد نداشتن خوف و کمبود های اساسی از طریق تحریم های اردوگاه استکبار جهانی ، رسیدن به جامعه تقریب الافق و رفاه نسبی و نظایر اینها است ، برای این کهنه خبره کشور، بارها شاهد و سامع ، جریان هائی بوده است که بخش عمده ای از ارز ها و یارانه ها و کمک های دولت بجای اینکه به همکاری های فنی و توسعه تکنولوژیکی کشور منجر شود مراحل انتقال تکنولوژی بر اساس مدارک و جزئیات قرارداد های تعهد طرفینی انجام شود، به خرید اتومبیل های گران قیمت ، ساختن کاخ ها و ابنیه های با شکوه ، سفر های آنچنانی و اسراف ها و دلالی های ویده و بستان های غیر ضرور صرف شده است ، بنا براین ، انتقال تکنولوژی یک دانش میان رشته ای خاص است

4. ما کشوری خام فروش هستیم ، و تکنولوژی های حاضر در این کشور دارای ظرفیت لازم برای تبدیل مواد پلیمری ، کنستانتزه ها ، محصولات کشاورزی ، و صد ها مورد دیگر به محصولات با تکنولوژی برتر در زمینه های داروئی (با توجه به فراوانی مواد معدنی و طبیعی) ، فناوری دقیق ، الیاژ های مورد نیاز صنایع اتومبیل سازی ، قطعات سازی برای هواپیما ، و ماشین ها و سیستم های هوشمند و نظایر اینها در حد نیاز های مقابله با تحریم ، قوام نگرفته است و تحریم شکن نیست ، نساجی که در خاور میانه ، اولین صنایع نساجی در 100 سال پیش وارد ایران شده ، اکنون تعطیل گردیده و زنجیره آن از منابع اولیه تا بازار مصرف ، از هم گسیخته ، و هنوز بسیاری از شوینده ها ، و مواد اولیه آماده برای ساخت محصولات و صدها مورد دیگر که باعث تطویل این نامه خواهد شد ، از خارج وارد میشود و باعث فقدان بنیان های اصلی در بروز بیکاری میلیون ها جوان و جویای کار شده و موضوعی نگران کننده برای کیان کشور است .

5. مهندسی اقتصاد مقاومتی ، دامنه های کارکردی- اجتماعی زیادی را در برمیگیرد بطوریکه یک روز باید اذعان شود که بهر جا ویا هر فعالیت و عوامل موثر و ضروری در کشور که مورد ملاحظه ویا تعامل قرارمیگیرد ، رنگ و بوی اقتصاد مقاومتی داشته باشد، وجود بسیاری از نارسائی که بطور تجسم ها و نشانه های اجتماعی نمایان است ، دال بر غفلت های حسرت آور آینده ، و فقدان مراتب و ماهیت اقتصاد مقاومتی حکایت دارد ، به عنوان نمونه که ارتباط مستقیم با تکنولوژی دارد ، از مراکز رشد ، شرکت های دانش بنیان، نمونه های ضرور برای فن بازار کارگاه های نیمه صنعتی برای تهیه پتنت های مورد نیاز توسعه صنعتی کشور (نه جریان سلیقه ای از ایده تا پتنت و ثبت اختراع) و ایجاد خطوط تولید بر حسب مدل های تجربه شده جهانی و غیر اینها ، فاقد فن بازار فعال در بخش خصوصی ، آژانس های دایر مدارثروت سازی برای کشور ، فقدان سامانه های فاینانس های داخلی و خارجی ، و صدها ساختار چابک و تسهیلات لازم و بانک های مشتاق برای توسعه صنعتی با خلاقیت های سود آور برای تمام اهالی درگیر در این اقتصاد

بوده ، و جایشان در این زنجیره و خوشه های متنوع توسعه خالی است ، با جرات عرض می کنم که در این کشور وبا این انقلاب باشکوه وبی نظیر ، یک ساخت همه جانبه از مهندسی اقتصاد مقاومتی ، حتی در قانون ومقررات ملاحظه نمیشود واین از وظائف ذاتی دست اندرکاران تکنولوژی کشور میباشد.

6. روح میثاق وقراردادهای اجتماعی که نوشته های اینجانب در سایت علم مفید است ، به لحاظ مختلف ، به میزان تعهدات دینی ، اخلاقی ، وجدانی وملی فرد ، فرد جامعه ، نهاد های آموزشی ، بانک ها وصندوق ها ومراکز تسهیلات دهنده و کلیه تسهیل کنندگان ثروت ساز کشور را زیر سوال جدی برده است ، نخبگان به آموزش های خاص در این مورد نیاز دارند نه دروس متداول گذشته ، فن بازار به آژانس های لازم با مهارت وچند جانبه برای راهنمایی وتکمیل اسناد انتقال وصنایع تولیدی نیاز دارند ، فن بازاردر نقاط دور واز دسترس متقاضی خارج بوده ویک نمایش بیش نیست ، هر شهرک صنعتی وهر بازار فنی وفضاهاى علمى – فنى نیازمند فن بازار است ، این کاربرگ کمتر از بازار های دادوستد شهر ها نیست وجای بازار کالاهای فنی وساخت کارخانه ، درنظامی متناظر با نظام انتقال تکنولوژی درون زا نیست ، آنچه ما نیاز داریم محرک ها وتکانه های اجتماعی برای راهنمایی های موثر از طریق خبرگان کهنه کار است واین امر مهم با جوانان نخبه به تنهایی میسر نیست وساختار نخبگانی کشور به لوازمات دیگری ، به غیر از آنچه امروز نماینده نخبگانی شده است ، نیاز دارد

7. پا فشاری روی ساختار اشتغال وسهم آن در بخش کشاورزی ، صنعت وخدمات که در کشورهای مترقی نهادینه شده است ، با توجه به مقتضیات کشورمان ، بسیار متفاوت است ، لیکن همانطور که استحضار دارید ، هویت وماهیت بخش کشاورزی مدرن با کشاورزی سنتی که در 60 سال پیش حدود 70 درصد اشتغال را به خودش تخصیص داده بود ، تغییر طبیعی داشته ، وحداکثر در کشور ما ، بخش کشاورزی بیش از ده درصد نمی تواند ، اشتغال ایجاد کند ، معضل بیکاری کشور ، با توسعه صنعتی وفعال شدن شهرک های صنعتی وتغییر زیرساخت های ژئوتکنولوژیکی کشور میسر میگردد ، مدرن سازی این بخش با انتقال تکنولوژی درون زا وتکمیل آن از طریق انتقال تکنولوژی برون زا (با مدل های ممکن برای انتقال) ، هم ترازى وهمگرایی کلیه منابع انسانی ، آموزشی ، مدیریتی ، وسایر منابع وعوامل ذیربط، نیازبه عنایت وسیع وعمیق به کلیه کارکردهای اجتماعی در تولید وافزایش ثروت ملت ایران دارد ، بطوریکه در عدالت توزیعی ،ومتناسب با اهتمام ومساعی علمى –فنى ومادى – معنوی فرد فرد کشور به توزیع ثروت پرداخته شود واین موضوع حیاتی به عنوان روح ملی – معنوی ملت ایران گزینش گردد، چنین دیدگاهی بزرگترین محرکه برای مشارکت مردم ایران در این حماسه تولید ثروت است

8. آخرین بیان اینجانب برای رسیدن باین آرزوها وآرمان های انقلابی مردم وخرسندی رهبر فرهیخته انقلاب اسلامی ، اینست که آنچه به عرض رسید از زمره دانش میان رشته ای بوده وبا یک تخصص ویک فن وحرفه نمی توان به آنالیز وارزیابی وکارگشائی کلان وخرد این حماسه بزرگ پرداخت .

توفیق جنابعالی و همکاران محترمتان را از خداوند متعال مسئلت دارم

محمود صانعی پور

20 دی ماه سال 1395

ضمائم:

1. رزومه نویسنده
2. جدول مهارت های علمی و فنی نویسنده
3. برخی احکام مرتبط باین نامه